Challenges and Opportunities of Digital Transformation in Implementing the Duty to Give Reasons in Administrative Law

Amin Banazadeh Ardebili[1]

1 Graduated from ph.d in Public Law and University lecturer, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran , banazadehamin@yahoo.com

2025/03/16 – 2025/05/24

Abstract

The duty to give reasons for administrative decisions is a fundamental principle in administrative law that ensures transparency and accountability of public institutions. This study explores the impact of digital transformation on the implementation of this principle by addressing the question: *"What challenges and opportunities does digital transformation pose for the implementation of the duty to give reasons in administrative law?"* Using a descriptive-analytical method, it examines the challenges and opportunities of digital transformation within the framework of the European Union. The challenges include opaque algorithms, legal inconsistencies, institutional resistance, and unequal access, encompassing both technical complexities and social disparities. In contrast, the opportunities involve enhanced transparency, improved equitable access, reduced human error, and facilitated judicial and civic oversight. Technologies such as interpretable artificial intelligence and multilingual platforms, when designed adaptively, optimize user experience for diverse groups and build public trust. However, limitations such as the lack of digital infrastructure in underprivileged areas and the need for digital literacy hinder the full realization of this principle in digital environments. These experiences, considering the shared challenges of administrative digitalization—such as the need for infrastructure and technological literacy—can inform legal and technical reforms in Iran. Strengthening the implementation of the duty to give reasons for administrative decisions in the digital age requires coordinated policymaking and investment in modern technologies.

Keywords: duty to give reasons, digital transformation, challenges, opportunities, Algorithms

1. Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

فصلنامه حقوق اداری
سال دوازدهم، بهار ۱۴۰۴، شماره ۴۲
مقاله علمی پژوهشی

«چالش‌ها و فرصت‌های تحول دیجیتال در اجرای اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری»

امین بناءزاده اردبیلی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

چکیده

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری به عنوان رکنی اساسی در حقوق اداری، شفافیّت و پاسخگویی نهادهای عمومی را تضمین می‌نماید. این پژوهش با این سؤال که «تحول دیجیتال چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای اجرای اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری ایجاد می‌نماید؟» به بررسی تأثیرات تحول دیجیتال بر این اصل پرداخته و با روش توصیفی- تحلیلی، چالش‌ها و فرصت‌های تحول دیجیتال را در چارچوب اتحادیه اروپا تحلیل می‌نماید. چالش‌ها شامل: «الگوریتم‌های غیرشفاف، ناهماهنگی‌های حقوقی، مقاومت سازمانی، و نابرابری دسترسی» هستند که از پیچیدگی‌های فنی تا شکاف‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرند. در مقابل، فرصت‌ها شامل: «تقویت شفافیّت، بهبود دسترسی عادلانه، کاهش خطاهای انسانی، و تسهیل نظارت قضایی و شهروندی» است. فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی قابل تفسیر و پلتفرم‌های چند زبانه، با طراحی‌های تطبیقی، تجربه کاربری را برای گروه‌های متنوع بهینه‌سازی نموده و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهند. با این حال، محدودیت‌هایی مانند کمبود زیر ساخت‌های دیجیتال در مناطق محروم و نیاز به سواد دیجیتال، مانع تحقق کامل این اصل در فضای الکترونیک شده است. این تجربیات، با توجه به چالش‌های مشترک دیجیتالی شدن نظام‌های اداری، مانند نیاز به زیرساخت‌های دیجیتال و سواد فناوری، می‌تواند اصلاحات حقوقی و فنی در ایران را هدایت نماید. تقویت اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در عصر تحول دیجیتال نیازمند سیاست‌گذاری‌های هماهنگ و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین می‌باشد.

واژگان کلیدی: دلایل تصمیمات اداری، تحول دیجیتال، چالش‌ها، فرصت‌ها، الگوریتم‌ها.

۱ . دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.
banazadehamin@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

مقدمه

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق اداری، نقشی محوری در تضمین شفافیّت، پاسخگویی و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی ایفا می‌نماید(Wade et. al, 2014:341). این اصل با الزام نهادهای عمومی به ارائه دلایل روشن و قابل فهم برای تصمیمات متخذه، نظارت قضایی، مشارکت شهروندی و رعایت عدالت رویه‌ای را تقویت می‌نماید(Craig, 2012:137). در عصر تحول دیجیتال که فناوری به راهبردی کلیدی برای دولت‌های مدرن تبدیل شده، اجرای این اصل وارد مرحله‌ای پیچیده و نوین شده است. پلتفرم‌های دیجیتال کاربر محور، هوش مصنوعی قابل‌تفسیر، و زیرساخت‌های الکترونیک، ضمن ایجاد فرصت‌هایی بی‌سابقه برای بهبود شفافیّت و دسترسی عادلانه، چالش‌هایی مانند الگوریتم‌های غیرشفاف، ناهماهنگی‌های حقوقی، و نابرابری‌های دسترسی را به همراه آورده‌اند(European Commission, 2024:609).

اتحادیه اروپا، به دلیل پیشگامی در تدوین چارچوب‌های حقوقی مانند قانون هوش مصنوعی (European Union, 2024:132) و سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های دیجیتال، به عنوان کانون این مطالعه انتخاب گردیده است. این منطقه، با اجرای پروژه‌های نوآورانه مانند پورتال‌های شفافیّت و پلتفرم‌های چندزبانه نمونه‌های موفقی از انطباق فناوری با اصول حقوقی ارائه نموده است(OECD, 2024). این پروژه‌ها که در گزارش‌های اخیر نهادهای اروپایی برجسته شده‌اند، نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده اروپا برای بهره‌گیری از تحول دیجیتال در راستای تقویت اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری می‌باشند(European Commission, 2024:231). با این حال، چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های دیجیتال در مناطق محروم، نیاز به سواد دیجیتال و پیچیدگی‌های فنی الگوریتم‌ها، موانعی جدّی ایجاد نموده‌اند که تحلیل عمیق آن‌ها ضروری است(Hofmann, 2024:90).

این پژوهش با این سؤال که «تحول دیجیتال چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای اجرای اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند؟» پیش می‌رود. ضرورت این سؤال از آنجا است که تحول دیجیتال، به مثابه شمشیری دو لبه، از طرفی اجرای این اصل را تقویت نموده و از طرف دیگر آن را با موانع جدیدی مواجه می‌سازد (Deutsche Telekom, 2019:41).

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تا حدّی تطبیقی است. در بخش توصیفی، مفاهیم بنیادین مانند اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری، شفافیّت، پاسخگویی، و ویژگی‌های تحول دیجیتال با مراجعه به منابع معتبر نظری و حقوقی تبیین شده‌اند. در بخش تحلیلی، تأثیرات عملی تحول دیجیتال بر اجرای این اصل در بستر اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار گرفته است. منابع پژوهش شامل اسناد حقوقی رسمی اتحادیه اروپا مانند مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، قانون هوش مصنوعی، گزارش‌ها و داده‌های منتشرشده توسط نهادهایی مانند کمیسیون اروپا، دیوان حسابرسی اروپا و نمونه‌های موردی از تجربه کشورهای عضو مانند پورتال‌های شفافیّت اتریش و پلتفرم‌های چندزبانه در دانمارک می‌باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

اهمیّت و ضرورت مقاله حاضر برای مخاطبان ایرانی که در مرحله الکترونیکی کردن قرار دارد، از منظر قابلیّت انطباق تجربیات اروپا با نظام حقوق اداری ایران قابل توجّه است. نظام حقوقی ایران، که در مسیر ارتقای شفافیّت و پاسخگویی در فرایندهای اداری گام برمی‌دارد، می‌تواند از درس‌آموخته‌های اروپا بهره‌مند گردد. با در نظر گرفتن چالش‌های مشترک ناشی از دیجیتالی شدن نظام‌های اداری، از جمله نیاز به زیرساخت‌های فناوری و ارتقای سواد دیجیتال، این تجربیات می‌توانند به‌عنوان راهنمایی مؤثر برای اصلاحات حقوقی و فنی در ایران عمل نمایند. علاوه بر این، چارچوب‌های حقوقی اروپا، مانند مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها و استانداردهای بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان الگویی برای تدوین قوانین دیجیتال در ایران مورد توجه قرار گیرند. این مطالعه، با ارائه چارچوبی برای بهره‌گیری از فناوری در اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، نه تنها به غنای ادبیات حقوق اداری در ایران کمک می‌نماید، بلکه سیاست‌گذاران را در طراحی نظام‌های حکومتی پاسخگو و شفاف یاری می‌رساند. از این‌رو، تحلیل تجربیات اروپا در این پژوهش، راهنمایی برای نظام‌های حقوقی در حال توسعه، از جمله ایران ارائه می‌دهد تا با بهره‌گیری از فناوری، اصول حقوقی بنیادین را در عصر دیجیتال تقویت نمایند.

این مقاله در سه فصل سازمان یافته است. فصل اوّل مفهوم و اهمیّت اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات را در چارچوب حقوق اداری اتحادیه اروپا تشریح می‌کند و با بررسی پیشینه حقوقی و نظری، پایه‌ای برای تحلیل‌های بعدی فراهم می‌سازد. فصل دوم، چالش‌های تحول دیجیتال، از جمله پیچیدگی‌های الگوریتمی، ناهماهنگی‌های حقوقی میان کشورهای عضو، مقاومت سازمانی در نهادهای عمومی، و نابرابری‌های اجتماعی در دسترسی به فناوری را تحلیل می‌نماید. فصل سوم، فرصت‌های این تحول، مانند تقویت شفافیّت از طریق پورتال‌های دیجیتال، بهبود دسترسی عادلانه برای گروه‌های متنوع، کاهش خطاهای انسانی با استفاده از هوش مصنوعی و تسهیل نظارت قضایی و شهروندی را بررسی می‌نماید.

پژوهش مرادی و تنگستانی با عنوان «الگوریتم و حقوق اداری، چالش‌ها، فرصت‌ها» که در شماره ۳۴ مجله حقوق اداری در بهار ۱۴۰۲ به چاپ رسیده است، با رویکرد توصیفی–تحلیلی، تأثیر تصمیم‌گیری الگوریتمی بر اصول حقوق اداری مانند شفافیّت، عدالت رویه‌ای، و بی‌طرفی را بررسی نموده و چالش‌هایی نظیر غیرشفاف بودن الگوریتم‌ها و محدودیت‌های نظارت قضایی را تحلیل نموده است. این مطالعه با پیشنهاد باز تعریف حقوق اداری، نظریه «حقوق اداری الگوریتمی» را برای حفظ حاکمیت قانون مطرح می‌نماید. در مقابل، پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی، به‌طور خاص تأثیر تحول دیجیتال بر اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری اتحادیه اروپا را تحلیل کرده و با تمرکز بر قلمرو اروپا و درس‌آموخته‌هایی برای ایران، رویکردی چند وجهی ارائه می‌نماید.

مقاله انصاری با عنوان «مطالعه حقوقی تبعیض الگوریتمی» که در شماره ۳۸ مجله دانش حقوق عمومی در زمستان ۱۴۰۱ به چاپ رسیده است، با رویکرد توصیفی–تحلیلی، به بررسی تبعیض در تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی، به‌ویژه هوش مصنوعی، پرداخته، علل (داده‌های ورودی و طراحی الگوریتم) و راهکارهای مقابله را تحلیل نموده است. این مطالعه با نقد تجربیات کشورهای پیشرو، پیشنهادهایی برای رفع خلأهای قانونی در ایران ارائه می‌دهد. در مقابل، پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی، تأثیر تحول

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

دیجیتال بر اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری اتحادیه اروپا را بررسی کرده و با تحلیل چالش‌ها و فرصت‌ها، درس‌آموخته‌هایی برای ایران ارائه می‌نماید.

پژوهش رضایی‌زاده و عطریان با عنوان «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا» که در شماره ۱۰ مجله دانش حقوق عمومی در زمستان ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است، با رویکرد تطبیقی–تحلیلی، جایگاه اصل لزوم ارائه دلایل را در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا بررسی نموده و آن را شاخصه‌ای از اداره خوب در اروپا می‌داند که نیاز به تعمیم در ایران دارد. در مقابل، پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی، تأثیر تحول دیجیتال بر اجرای این اصل در حقوق اداری اتحادیه اروپا را تحلیل کرده و با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌ها، درس‌آموخته‌هایی برای ایران ارائه می‌کند.

نوآوری این پژوهش در تمرکز ویژه بر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، تحلیل چند وجهی فرصت‌های دیجیتال و ارائه چارچوبی برای انطباق تجربیات اتحادیه اروپا در نظام حقوقی ایران است.

۱. مفاهیم و مبانی اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری و تحول دیجیتال

۱-۱. مفهوم تحول دیجیتال

تحول دیجیتال فرایندی است که طی آن سازمان‌ها و نهادهای عمومی با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، فرایندها، خدمات و ساختارهای خود را بازطراحی و بهینه‌سازی می‌نمایند(Siebel, 2019:15). این مفهوم فراتر از تبدیل اسناد به فرمت دیجیتال بوده و شامل تغییرات بنیادین در عملکرد سازمان‌ها برای انطباق با الزامات دنیای مدرن است. تحول دیجیتال نه تنها استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاک‌چین را دربرمی‌گیرد، بلکه نیازمند تحول در فرهنگ سازمانی، مدل‌های تصمیم‌گیری و تعامل با ذی‌نفعان می‌باشد (Westerman et al. , 2014:22). در اداره عمومی، این فرایند با هدف افزایش شفافیّت، پاسخگویی و دسترسی به خدمات، نیازمند هماهنگی دقیق فناوری با اصول حقوقی است. تحول دیجیتال دارای سه بعد اصلی است: «فناوری، سازمانی و اجتماعی». از منظر فناوری، ابزارهایی مانند پایگاه‌های داده یکپارچه، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان امکان خودکارسازی و افزایش دقت در فرایندها را فراهم می‌نمایند. از منظر سازمانی، بازنگری در ساختارها و فرایندها برای افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها ضروری است. از منظر اجتماعی، بهبود دسترسی به خدمات و ارتقای کیفیّت تعاملات نهادهای عمومی با شهروندان مورد توجه قرار می‌گیرد (Janowski, 2015:223). در اتحادیه اروپا، هماهنگی این ابعاد در کشورهایی مانند استونی موفقیّت آمیز بوده، اما در برخی کشورها، مانند یونان و رومانی، ضعف‌های زیرساختی موانعی برای اجرای مؤثر اصول حقوقی، مانند اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، ایجاد نموده‌اند. این ناهماهنگی ضرورت تدوین استانداردهای یکپارچه برای طراحی سامانه‌های دیجیتال را برجسته می‌سازد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

اهمیّت تحول دیجیتال در اداره عمومی در افزایش شفافیّت، پاسخگویی و دسترسی به خدمات نمایان می‌شود. برای نمونه، در اتحادیه اروپا، سامانه‌های آنلاین صدور مجوز امکان ثبت و پیگیری درخواست‌ها را به‌صورت آنی فراهم کرده‌اند. در استونی، پلتفرم ایکس رود تبادل امن داده‌ها را ممکن ساخته و بیش از ۹۹ درصد خدمات عمومی را آنلاین کرده است (Margetts, 2013:5). این پلتفرم با استفاده از رمزنگاری پیشرفته، امکان ردیابی تمام تبادلات را فراهم می‌کند؛ اما هزینه‌های بالای نگهداری و نیاز به زیرساخت‌های پیچیده در برخی کشورهای اروپایی مانع از گسترش آن شده است. در سوئد، سامانه‌های خدمات عمومی با ارائه گزارش‌های دقیق، اعتماد عمومی را تقویت نموده‌اند. اما «پیچیدگی رابط کاربری»[1] در برخی کشورها، مانند پرتغال، مانع از تحقق کامل این پتانسیل شده است (OECD 2023:15). این امر نشان‌دهنده ضرورت طراحی سامانه‌های کاربرمحور است که نه‌تنها کارایی فنی داشته باشند، بلکه با الزامات حقوقی، مانند شفافیّت و پاسخگویی، هم‌راستا باشند.

تحول دیجیتال مفهومی صرفاً فناورانه نیست؛ بلکه فرایندی چند بعدی است که ساختار، فرهنگ و عملکرد سازمان‌های عمومی را به گونه‌ای بنیادین دگرگون می‌سازد. این تحول، نه تنها ابزارها و فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، داده‌های کلان، اینترنت اشیا و بلاک‌چین را دربرمی‌گیرد، بلکه مستلزم بازتعریف نحوه تصمیم‌گیری، شیوه تعامل با شهروندان، و پایبندی به اصول حاکمیت قانون است.

از منظر حقوق عمومی، اهمیّت تحول دیجیتال در آن است که می‌تواند اهداف سنّتی اداره مطلوب مانند شفافیّت، پاسخگویی، عدالت اداری و دسترسی برابر به خدمات عمومی را با استفاده از فناوری تحقق بخشد. در مقابل، تحول دیجیتال بدون هماهنگی با اصول حقوقی و زیرساخت‌های نهادی، نه تنها بی‌اثر بلکه خطرناک است. تجربه کشورهایی چون یونان، رومانی و پرتغال نشان می‌دهد که بدون طراحی ساده، آموزش عمومی و ظرفیت نهادی، سامانه‌های دیجیتال ممکن است ناکارامد، پرهزینه، یا حتی مانع دسترسی مؤثر به حقوق اداری شوند. (OECD, 2023:21)

بر این اساس مفهوم تحول دیجیتال، اگر با درک صحیح حقوقی و سیاست‌گذاری مبتنی بر «اصول اداره خوب» هدایت گردد، ظرفیت آن را دارد که نه تنها کارایی و سرعت نظام اداری را ارتقا بخشد؛ بلکه اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری و مبانی آن همچون حق اعتراض و نظارت قضایی مؤثر را نیز تقویت نماید. اما در صورت غفلت از این مبانی، پیامد آن می‌تواند تضعیف عدالت اداری، افزایش نابرابری دیجیتال و تزلزل اعتماد عمومی باشد. بنابراین، سیاست‌گذاران باید دیجیتال‌سازی را نه یک هدف، بلکه یک ابزار در خدمت ارزش‌ها و اصول حقوق عمومی تلقی کنند.

---

۱. پیچیدگی رابط کاربری به طراحی سامانه‌های دیجیتالی اشاره دارد که به دلیل استفاده از اصطلاحات فنی پیچیده غیرکاربر پسند، فرایندهای چندمرحله‌ای یا عدم سازگاری با نیازهای متنوع کاربران (مانند سالمندان یا افراد با دانش دیجیتال محدود)، برای شهروندان غیرمتخصص دشوار و غیرقابل‌فهم هستند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

۲-۱. تفاوت الکترونیکی کردن و دیجیتالی‌سازی

تحول دیجیتال شامل مفاهیمی چون «الکترونیکی کردن»[1] و «دیجیتالی‌سازی»[2] است که هر یک نقش متفاوتی در اداره عمومی دارند. الکترونیکی کردن به فرایند تبدیل داده‌ها و اسناد از شکل فیزیکی، مانند کاغذ، به فرمت دیجیتال اشاره دارد (Bloomberg, 2018:1). این مرحله با هدف تسهیل دسترسی به اطلاعات و کاهش وابستگی به روش‌های دستی انجام می‌شود. برای نمونه، تبدیل اسناد کاغذی به فایل‌های دیجیتال یا راه‌اندازی سامانه‌های ثبت درخواست آنلاین، مصداق الکترونیکی کردن است. در مقابل، دیجیتال‌سازی به استفاده پیشرفته از داده‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین برای باز طراحی و خودکارسازی فرایندها اطلاق می‌شود (Janowski, 2015:224). این فرایند با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و تحلیل داده‌های کلان، تحلیل داده‌ها و تصمیم‌گیری خودکار را ممکن می‌سازد.

تفاوت‌های کلیدی میان این دو در اهداف، ابزارها و نتایج آن‌ها نهفته است. الکترونیکی کردن بر انتقال اطلاعات به محیط دیجیتال تمرکز دارد، در حالی که دیجیتالی‌سازی بر تحول عمیق فرایندها تأکید می‌نماید(Bloomberg, 2018:2). برای مثال، سامانه‌ای که ابلاغیه‌ها را به‌صورت الکترونیکی ارسال می‌کند، در حوزه الکترونیکی کردن قرار دارد؛ اما سیستمی که تخلفات را با تحلیل داده‌های حسگرها ثبت و جریمه صادر می‌کند، دیجیتال‌سازی محسوب می‌گردد. در مقابل، دیجیتال‌سازی با سیستم‌های خودکار، پتانسیل تحلیل دقیق‌تری دارند (Kaminski, 2019:102).

۳-۱. تأثیر تحول دیجیتال بر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری نهادهای عمومی را ملزم می‌نماید، دلایل تصمیمات خود را به‌صورت شفاف و قابل فهم به ذی‌نفعان اعلام نمایند (Forsyth et. al, 2014:345). این اصل با هدف تضمین پاسخگویی، عدالت و نظارت قضایی مؤثر شکل گرفته و در نظام‌های حقوقی، به‌ویژه در اتحادیه اروپا، جایگاه محوری یافته است. مقرراتی مانند «آیین‌نامه عمومی حفاظت از داده‌ها»[3] شفافیّت تصمیمات خودکار را الزامی نموده‌اند (Kaminski, 2019:95). مستند و مستدل بودن اقدامات و تصمیمات اداری نقش مهمی در تحدید اقدامات و تصمیمات دولتی در چارچوب قوانین و جلوگیری از خودسری‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی مقامات اداری و در نتیجه بهبود روابط مردم با ادارات دولتی ایفا می‌نماید (عطریان، ۱۳۹۶:۱۲۶). براین اساس یکی از الزامات مراجع عمومی در فرایند اتخاذ تصمیم لزوم بیان مبانی تصمیم متخذه می‌باشد (هداوند، ۱۳۹۵: ۲۰۳). تحول دیجیتال فرصت‌ها و چالش‌هایی برای اجرای این اصل ایجاد نموده که نیازمند هماهنگی فناوری با اصول حقوقی است.

---

[1]. Digitization
[2]. Digitalization
[3]. General Data Protection Regulation (GDPR)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

از این‌رو، تحول دیجیتال فرصت‌هایی برای تقویت اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری فراهم می‌آورد. سامانه‌های دیجیتال، در صورت طراحی مناسب، می‌توانند گزارش‌های دقیق و قابل فهمی از فرایند تصمیم‌گیری ارائه نمایند. در استونی، پلتفرم ایکس رود[۱] با ثبت تمام تبادلات داده‌ای در یک دفتر کل دیجیتال، ردیابی تصمیمات و ارائه دلایل اجرای اصل را بهبود بخشیده است (Margetts, 2013:5). در فنلاند، سامانه‌های خدمات عمومی با ارائه گزارش‌های تفصیلی، شفافیّت را افزایش داده‌اند. سامانه‌های صدور جریمه رانندگی در دانمارک با ارائه دلایل مبتنی بر داده‌های حسگرها، اعتماد عمومی را تقویت نموده‌اند (OECD, 2023:12). این موفقیّت ها به طراحی کاربرمحور و زیرساخت‌های قوی وابسته است.

با این حال، هزینه‌های بالای طراحی و کمبود مهارت‌های دیجیتال در برخی کشورهای عضو، مانع از بهره‌برداری کامل از این فرصت‌ها شده است. از این‌رو، چالش‌های تحول دیجیتال نیز قابل‌توجه هستند. در مرحله الکترونیکی کردن، سامانه‌های دیجیتال اغلب پاسخ‌هایی مانند «درخواست رد شد» ارائه می‌دهند که فاقد جزئیات کافی است. در دیجیتال‌سازی، الگوریتم‌های «جعبه سیاه»[۲]و[۳] فرایند تصمیم‌گیری را غیرشفاف ارائه می‌دهند. در هلند، «سیستم‌های خودکار ارزیابی مزایای اجتماعی» به دلیل نبود دلایل قابل‌فهم متوقف شده‌اند، این چالش‌ها ضرورت تدوین استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر برای الگوریتم‌ها و نظارت حقوقی در اتحادیه اروپا را نشان می‌دهند. تلاش‌هایی برای تنظیم الگوریتم‌های پرریسک[۴] گامی در جهت رفع موانع موجود و بهبود وضعیت هستند (Pasquale, 2015:21). اما ناهماهنگی بین کشورهای عضو همچنان مانع دست‌یابی به استانداردهای مد نظر است.

بر این اساس، تحول دیجیتال در عرصه اداری، تأثیری دوگانه و پیچیده بر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری بر جای گذارده است. از یک سو، فناوری‌های دیجیتال ظرفیت‌هایی نو برای افزایش شفافیّت، دقت و دسترسی‌پذیری در ارائه دلایل فراهم می‌سازند. اما در سوی دیگر، چالش‌های ناشی از استفاده گسترده از الگوریتم‌ها و سیستم‌های خودکار محدودیّت‌هایی در تحقق عملی این اصل پدید

---

[۱]. X-Road: سامانه‌ای برای تبادل امن و استاندارد داده‌ها میان سیستم‌های اطلاعاتی است که در سال ۲۰۰۱ توسط سازمان سیستم اطلاعات استونی ایجاد شد. این سامانه دارای کد در دسترس عموم (متن‌باز) و ساختار متمرکز است و به‌عنوان زیرساخت اصلی دولت الکترونیک استونی، موسوم به X-tee ، عمل می‌کند. X-Road با بهره‌گیری از رمزنگاری و امضای دیجیتال، امنیت و شفافیت تبادل اطلاعات را تضمین می‌نماید.

[2]. Black box

[۳]. اصطلاحی است که به سیستم‌های الگوریتمی غیرشفاف اشاره دارد که فرآیند تصمیم‌گیری‌های آن برای کاربران قابل‌فهم نیست.

[۴]. چارچوب حقوقی پیشنهادی اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۲۱ توسط کمیسیون اروپا معرفی شد. این قانون با هدف تنظیم سیستم‌های هوش مصنوعی بر اساس سطح ریسک، الزاماتی مانند شفافیّت و نظارت انسانی را برای سیستم‌های پرریسک تعیین می‌کند (Artificial Intelligence Act (AI Act)).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

آورده‌اند. استفاده از الگوریتم‌های پیچیده و غیرشفاف عدم امکان درک روند تصمیم‌گیری توسط شهروندان، و کاهش امکان نظارت قضایی از جمله دغدغه‌های جدّی در این زمینه‌اند.

این تحولات بیانگر آن است که دیجیتال‌سازی نه به‌خودی‌خود تهدید یا فرصت، بلکه بستری است که موفقیّت آن وابسته به چگونگی تنظیم و پیاده‌سازی حقوقی و نهادی آن است. در صورت فقدان رویکرد حقوق محور در طراحی سامانه‌ها، فرایندهای تصمیم‌گیری ممکن است از شفافیّت تهی شده و اصل ارائه دلایل جایگاه عملی خود را از دست دهد. اما در مقابل، بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات، به‌ویژه از طریق ایجاد سامانه‌های قابل پیگیری، توضیح‌پذیر و باز، برای کنترل عمومی و قضایی، می‌تواند این اصل را بیش از پیش تقویت نماید.

٤-١. مبانی اصل در بوته تحول دیجیتال

آن‌چنان‌که گذشت، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری یکی از ارکان اساسی نظام‌های حقوق اداری است که پاسخگویی، عدالت و نظارت قضایی مؤثر را تضمین می‌نماید. این اصل نهادهای عمومی را ملزم می‌سازد، دلایل تصمیمات خود را به‌صورت شفاف، مستدل و قابل فهم به ذی‌نفعان ارائه دهند تا از خودسری جلوگیری شده و امکان ارزیابی حقوقی تصمیمات فراهم شود (Wade et. al,, 2014:346). این اصل بر سه پایه حقوقی استوار است:

نخست، «حاکمیت قانون»[1] به عنوان مبنای بنیادین، ایجاب می‌کند، تصمیمات با دلایل منطقی و مبتنی بر قانون توجیه شوند تا از اعمال قدرت خودسرانه جلوگیری شود. این مبنا تضمین‌کننده قانونی و قابل بازبینی بودن تصمیمات اداری است. حاکمیّت قانون ایجاب می‌نماید، هر تصمیم اداری مبتنی بر معیارهای قانونی و دلایل روشن باشد. این مبنا، محدودکننده خودسری و سلیقه‌گرایی مأموران اداری است و بستری برای نظارت قضایی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، الگوریتم‌های تصمیم‌گیرنده به ندرت ساختار دلایل خود را در قالبی قابل درک برای نهادهای نظارتی یا شهروندان ارائه می‌نمایند. برای مثال در دانمارک سیستم‌های خودکار مالیاتی، به دلیل عدم توضیح دلایل تصمیمات، موجب ابهام شده و انتقاد در محافل حقوقی را به بار آورده است (European Court of Auditors, 2022:365).

دوم، «حق دفاع»[2] به ذی‌نفعان این امکان را می‌دهد که با آگاهی از دلایل تصمیم، از حقوق خود در برابر تصمیمات نادرست یا غیرمنصفانه اداره دفاع نمایند. این حق به ویژه در فرایندهای اداری، مانند اعتراض به تصمیمات اهمیّت دارد. حق دفاع شامل مجموعه‌ای از حقوق و تضمیناتی است که افراد را در مواجهه با اقدامات مختلفی که ممکن است بر حقوق و منافع آن‌ها تأثیر منفی بگذارد، حمایت می‌کند. این حقوق و تضمینات شامل فرصت برای ارائه دیدگاه و دسترسی به اطلاعات و مدارک مرتبط با اقدامات است (Ryan, 2023:217). اما تحول دیجیتال، این حق را در برخی موارد تضعیف می‌نماید. الگوریتم‌هایی که به‌صورت خودکار تصمیم می‌گیرند، اغلب نتایج را بدون توضیح کافی صادر نموده و این

[1]. Rule of Law
[2]. Right of defense

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

امر موجب عدم اجرای صحیح حق دفاع شهروان می‌شود. در مقابل سوئد نشان داده که حتی در بستر دیجیتال، می‌توان با ارائه دلایل شفاف مبتنی بر داده‌های سیستمی، این حق را حفظ و تقویت نمود (OECD, 2023:15).

سوم، «شفافیّت»[1] به‌عنوان یک ارزش حقوقی، اعتماد عمومی به نهادهای اداری را تقویت نموده و با ارائه دلایل روشن، ابهامات و سوءتفاهم‌ها را کاهش می‌دهد (Kaminski, 2019:96). شفافیّت به عنوان ابزاری برای مقابله با محدودیت‌های دیرینه در رویکردهای ادارات عمل می‌نماید (Leonelli, 2023: 7).

تحول دیجیتال با معرفی ابزارهایی مانند: «هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان»، فرایندهای تصمیم‌گیری را خودکار کرده، اما این خودکارسازی ممکن است به کاهش شفافیّت منجر شود. به‌ویژه زمانی که الگوریتم‌ها دلایل تصمیمات را به صورت شفاف ارائه نمی‌دهند. شفافیّت به‌عنوان یک ارزش حقوقی و اخلاقی، محور اعتماد عمومی است. هرچه دلایل تصمیمات اداری واضح‌تر و قابل فهم‌تر باشد، میزان اعتماد و رضایت شهروندان نیز افزایش خواهد یافت. تحول دیجیتال در این زمینه نیز دوگانه عمل کرده است. از یک‌سو، در صورت طراحی درست، می‌تواند شفافیّت بی‌سابقه‌ای در فرایندها ایجاد کند؛ از سوی دیگر، در صورت بهره‌گیری از الگوریتم‌های غیرقابل توضیح و پیچیده، می‌تواند به سیاه‌چاله‌ای از تصمیمات غیرقابل درک تبدیل شود. موفقیّت پلتفرم‌هایی نظیر سامانه‌های صدور مجوز در سوئد (OECD, 2023:12)، اثبات می‌کند که فناوری، چنان‌که در هماهنگی با مبانی حقوقی به‌کار گرفته شود، شفافیّت را بهبود خواهد بخشید.

این مبانی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، به‌ویژه در «منشور حقوق بنایدین اتحادیه اروپا»[2] (ماده ۴۱) و آیین‌نامه عمومی حفاظت از داده‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، نه تنها یک ابزار شکلی در فرایند تصمیم‌گیری است؛ بلکه جلوه‌ای از اصول اساسی حاکم بر نظام‌های حقوق عمومی در سطح ملّی و فراملّی محسوب می‌گردد. این اصل با تکیه بر سه پایه مفهومی بنیادین بستری برای تضمین عدالت اداری، حمایت از حقوق افراد و ایجاد اعتماد متقابل میان شهروند و دولت فراهم می‌سازد. اهمیّت این مبانی به‌ویژه زمانی برجسته می‌گردد که فضای اداری به سوی دیجیتال شدن پیش می‌رود و فناوری نقش فزاینده‌ای در تصمیم‌سازی ایفا می‌نماید.

۲. چالش‌های اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در عصر تحول دیجیتال

در این بخش از مقاله، چالش‌های اجرای اصل مورد بحث در چهار محور مورد بررسی قرار می‌گیرید.

۲-۱. چالش‌های فنی

تحول دیجیتال با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان، فرایندهای اداری را خودکار نموده است. اما چالش‌های فنی متعددی اجرای اصل لزوم ارائه دلایل

---

[1]. Transparency

[2]. The Charter of Fundamental Rights of the European Union

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

تصمیمات اداری را تهدید می‌نمایند (Wade et. al,, 2014:349). یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، غیرشفاف بودن الگوریتم‌های تصمیم‌گیری، موسوم به جعبه سیاه است. این امر فرایند تصمیم‌گیری را برای ذی‌نفعان غیرقابل‌فهم می‌سازد (Pasquale, 2015:21). برای مثال در هلند، «سیستم خودکار ارزیابی مزایای اجتماعی»[1] به دلیل ارائه دلایلی غیرشفاف و غیرقابل تفسیر، با انتقادات گسترده مواجه شد و در نهایت متوقف گردید. این سیستم به دلیل پیچیدگی الگوریتم‌ها، توضیحات قابل فهمی برای تصمیمات ارائه نمی‌نمود، این امر موجب تضعیف شفافیّت و حق دفاع شهروندان شده و از طرفی موجب عدم نظارت قضایی مؤثر شده بود. در فنلاند نیز، برخی سامانه‌های خودکار ارزیابی مالیاتی به دلیل نبود توضیحات کافی، با چالش‌های مشابهی مواجه شده‌اند (OECD, 2023:16).

پیچیدگی رابط کاربری سامانه‌های دیجیتال مانع دیگری است. «رابط‌های کاربری غیرکاربرپسند»[2][3] که با اصطلاحات فنی پیچیده، منوهای غیرمنطقی یا فرایندهای چندمرحله‌ای طراحی شده‌اند، برای کاربران غیرمتخصص، مانند سالمندان یا افراد با دانش دیجیتال محدود، دشوار هستند (OECD, 2023:15). در پرتغال پلتفرم‌های خدمات عمومی، مانند سامانه‌های ثبت مجوز، به دلیل فرم‌های آنلاین پیچیده و منوهای شلوغ بدون راهنمایی واضح، با کاهش مشارکت شهروندان مواجه شده‌اند (European Commission, 2023:20). در این باره، کاربران غیرمتخصص گزارش داده‌اند که یافتن دلایل تصمیمات در این سامانه‌ها به دلیل طراحی غیرکاربرپسند دشوار است. در سوئد وضعیت بهتری حاکم است، اگرچه رابط‌های کاربری بهبود یافته‌اند، اما همچنان برخی سامانه‌ها برای گروه‌های کم‌توان یا غیربومی پیچیده باقی مانده‌اند (OECD, 2023:17).

کمبود زیرساخت‌های فنی در برخی کشورهای اتحادیه اروپا نیز اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را مختل نموده است. در رومانی و یونان، ضعف در زیرساخت‌های دیجیتال، مانند شبکه‌های اینترنتی ناپایدار یا پایگاه‌های داده غیریکپارچه، مانع از ثبت و ارائه دقیق دلایل تصمیمات شده است در این کشورها، سامانه‌های ثبت درخواست‌های شهروندی به دلیل قطعی مکرر سرورها، دلایل تصمیمات را به‌صورت ناقص ارائه می‌دهند (European Court of Auditors, 2022:25). بنابراین تأثیر زیرساخت‌های قوی برای اجرای صحیح اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری از مؤلفه‌های مهم بوده و رفع این چالش‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال، استانداردسازی پایگاه‌های داده و طراحی سامانه‌های شفاف و کاربرمحور است.

---

1. Automated Social Benefits Assessment System

2. Non-User-friendly interfacec

۳ . رابط کاربری غیرکاربرپسند به طراحی‌هایی اطلاق می‌شود که استفاده از سامانه را برای کاربران دشوار، گیج‌کننده یا غیرقابل درک می‌سازد. این نوع رابط‌ها معمولاً فاقد سادگی، وضوح، منطق جریان کاری و راهنمایی کافی هستند و منجر به سردرگمی کاربران، افزایش خطا، یا ترک فرایند توسط آنان می‌گردند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

۲-۲. چالش‌های حقوقی

اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در بستر تحول دیجیتال با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ناهماهنگی در اجرای مقررات اتحادیه اروپا، مانند آیین‌نامه عمومی حفاظت از داده‌ها بین کشورهای عضو می‌باشد. (Kaminski, 2019:102). ماده ۲۲ این مقرره شفافیّت در تصمیم‌گیری‌های خودکار را الزامی می‌نماید؛ اما تفاوت در تفسیر و اجرای این ماده در کشورهای مختلف، مانند استونی و یونان، به ناهماهنگی منجر شده است. برای نمونه، در یونان، سامانه‌های دیجیتال ثبت درخواست‌های شهروندی اغلب دلایلی کلی مانند «عدم انطباق با شرایط» ارائه می‌دهند، که با الزامات آیین‌نامه برای ارائه دلایل مشخص و قابل فهم هم‌خوانی ندارد (European Commission, 2023:22).

چالش دیگر، نبود استانداردهای یکپارچه برای تنظیم الگوریتم‌های پر ریسک است. «قانون هوش مصنوعی»[1] [2] تلاشی برای رفع این مشکل است؛ اما هنوز در مرحله پیشنهاد بوده و این امر اجرای یکسان معیارهای مد نظر را در کشورهای عضو را با خطر مواجه نموده است. (European Commission, 2021:12)

از طرفی، فقدان مکانیزم‌های حقوقی برای رسیدگی به خطاهای الگوریتمی نیز چالش دیگری است. چنان‌که قبلاً اشاره گردید در هلند، خطاهای سیستمی در ارزیابی مزایای اجتماعی به تصمیمات نادرست منجر شد. از طرفی، نبود چارچوب‌های حقوقی برای جبران خسارت، موجب تضعیف اعتماد عمومی گردید. در این باره، شهروندان متضرر به دلیل نبود فرایندهای قانونی مشخص برای اعتراض به خطاهای الگوریتمی، نتوانستند حقوق خود را احیا نمایند. این مشکل در کشورهایی مانند رومانی، که زیرساخت‌های حقوقی دیجیتال کمتر توسعه یافته‌اند، شدیدتر است (European Court of Auditors, 2022:26). در مقابل، سوئد با ایجاد مکانیزم‌های حقوقی برای رسیدگی به شکایات مربوط به تصمیمات خودکار، تا حدی این چالش را کاهش داده است (OECD, 2023:19). رفع این چالش‌ها نیازمند تدوین مقررات جامع برای رسیدگی به خطاها و تضمین پاسخگویی نهادهای عمومی در استفاده از فناوری‌های دیجیتال است.

۲-۳. چالش‌های سازمانی

اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در عصر تحول دیجیتال با موانع جدّی سازمانی روبرو است. یکی از این چالش‌ها، مقاومت سازمانی در برابر پذیرش فناوری‌های دیجیتال است. در برخی کشورهای

---

[1]. Artificial Intelligence Act (AI Act)

[2]. چارچوب حقوقی پیشنهادی اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۲۱ توسط کمیسیون اروپا معرفی شد. این قانون با هدف تنظیم سیستم‌های هوش مصنوعی بر اساس سطح ریسک، الزاماتی مانند شفافیّت و نظارت انسانی را برای سیستم‌های پرریسک تعیین می‌نماید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

اتحادیه اروپا، مانند یونان، ساختارهای بوروکراتیک سنتی و عدم آمادگی کارکنان برای استفاده از سامانه‌های دیجیتال، مانع از پیاده‌سازی مؤثر تحول دیجیتال شده است (European Court of Auditors, 2022:20). برای نمونه، در برخی نهادهای عمومی یونان، کارکنان به دلیل نبود آموزش کافی، همچنان به روش‌های دستی و غیرشفاف برای ارائه دلایل تصمیمات ادامه می‌دهند، که با الزامات اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات مغایرت دارد. این مقاومت در مقایسه با استونی، که فرهنگ سازمانی دیجیتال محوری دارد، برجسته‌تر است (Margetts, 2013:7).

کمبود مهارت‌های دیجیتال در میان کارکنان نیز چالش دیگری است. در رومانی، کمبود برنامه‌های آموزشی برای کارکنان اداری منجر به استفاده ناکارآمد از سامانه‌های دیجیتال شده است (OECD, 2023:18). برای مثال، کارکنان برخی نهادها قادر به ثبت دقیق داده‌ها در سامانه‌های دیجیتال نیستند. این امر به ارائه دلایل ناقص یا غیرشفاف منجر می‌گردد. در پرتغال نیز، کمبود آموزش‌های دیجیتال برای کارکنان باعث شده که سامانه‌های خدمات عمومی به‌درستی مدیریت نشوند (European Commission, 2023:23). در مقابل، فنلاند با اجرای برنامه‌های آموزشی گسترده برای کارکنان، این چالش را تا حدی مدیریت کرده است (OECD, 2023:14). این تفاوت‌ها نشان‌دهنده ضرورت سرمایه‌گذاری در آموزش‌های دیجیتال و بازطراحی فرایندهای سازمانی است.

از سوی دیگر، ناهماهنگی بین بخش‌های مختلف نهادهای عمومی نیز مانع از اجرای مؤثر تحول دیجیتال می‌شود. در پرتغال، نبود یکپارچگی بین سامانه‌های دیجیتال نهادهای مختلف، مانند وزارت‌خانه‌ها و شهرداری‌ها، به ارائه دلایل ناسازگار یا ناقص منجر می‌گردد (European Commission, 2023:24). برای مثال، شهروندان ممکن است دلایل متفاوتی برای یک درخواست مشابه از نهادهای مختلف دریافت کنند، که این موضوع موجب کاهش اعتماد عمومی می‌گردد. در دانمارک، تلاش‌هایی برای یکپارچه‌سازی سامانه‌های دیجیتال انجام شده، اما همچنان ناهماهنگی‌هایی در ارائه دلایل تصمیمات مشاهده می‌شود (European Court of Auditors, 2022:22). رفع این چالش نیازمند تدوین پروتکل‌های مشترک و یکپارچه‌سازی سامانه‌های دیجیتال در سطح ملّی و فراملّی است.

۲-٤. چالش‌های اجتماعی

چالش‌های اجتماعی نیز اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را در بستر تحول دیجیتال با موانع قابل‌توجهی مواجه کرده‌اند. یکی از این چالش‌ها، نابرابری در دسترسی به فناوری‌های دیجیتال بین مناطق شهری و روستایی است. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اتحادیه اروپا، مانند رومانی، مناطق روستایی اغلب فاقد دسترسی به اینترنت پرسرعت هستند، که استفاده از خدمات دیجیتال را محدود می‌نماید (European Court of Auditors, 2022:23). برای نمونه، شهروندان روستایی در رومانی به دلیل فقدان زیرساخت‌های ارتباطی، قادر نیستند به سامانه‌های دیجیتال دسترسی یابند و دلایل تصمیمات را دریافت نمایند (European Commission, 2023:25).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

کمبود دانش دیجیتال در میان شهروندان نیز چالش دیگری است. گروه‌های خاصی از شهروندان، مانند سالمندان یا افراد با تحصیلات پایین، به دلیل ناآشنایی با فناوری‌های دیجیتال، قادر به تعامل مؤثر با سامانه‌های خدمات عمومی نیستند (European Commission, 2023:21). برای مثال، سامانه‌های آنلاین ثبت درخواست در پرتغال به دلیل طراحی غیرکاربرپسند و نبود راهنمایی‌های ساده، برای این گروه‌ها باعث شده است که دسترسی به دلایل تصمیمات محدود گردد. از طرفی در سوئد، تلاش‌هایی برای ارائه آموزش‌های دیجیتال به شهروندان انجام شده، اما همچنان گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند مهاجران با مشکلاتی مواجه‌اند (OECD, 2023:20). این نابرابری اصل لزوم ارائه دلایل را تضعیف می‌نماید.

کاهش اعتماد عمومی به سامانه‌های دیجیتال نیز چالش اجتماعی دیگری است که مورد توجه قرار گرفته است. در هلند چنان‌که قبلاً اشاره گردید، رسوایی سیستم‌های خودکار ارزیابی مزایای اجتماعی به دلیل خطاهای الگوریتمی و ارائه دلایل غیرشفاف، موجب کاهش اعتماد شهروندان به فناوری‌های دیجیتال شد. این مشکل در کشورهایی مانند یونان، که سابقه ضعف در شفافیّت اداری دارند، شدیدتر است (European Commission, 2023:24). برای نمونه، شهروندان یونانی به دلیل تجربیات منفی از سامانه‌های دیجیتال غیرشفاف، تمایل کمتری به استفاده از خدمات آنلاین دارند، که اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر در فنلاند، اعتماد عمومی به دلیل طراحی سامانه‌های کاربرمحور و ارائه دلایل شفاف بالاتر است، اما این موفقیّت به زیرساخت‌های قوی و فرهنگ دیجیتال‌محور وابسته است (OECD, 2023:16).

بررسی چالش‌های مذکور نشان از این دارد که اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در بستر تحول دیجیتال، تنها زمانی می‌تواند به صورت مؤثر اجرا گردد، که طراحی فناوری‌های مورد استفاده با رویکرد شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و کاربرمحوری همراه باشد. در غیاب این شرایط، حتّی پیشرفته‌ترین سامانه‌ها نیز ممکن است به ابزارهایی برای تصمیم‌گیری‌های مبهم و غیرقابل نظارت بدل شوند. تجربه کشورهایی نظیر فنلاند گواه آن است که اعتماد عمومی نه نتیجه صرف دیجیتالی‌سازی، بلکه حاصل ترکیب آن با اصول حکمرانی خوب از جمله شفافیّت، دسترسی‌پذیری اطلاعات، و حق شهروندان در دانستن دلایل تصمیمات است. از این رو، استقرار موفقیّت آمیز اصل مزبور در محیط دیجیتال، مستلزم توسعه زیرساخت‌های حقوقی و فنی، ارتقای سواد دیجیتال اداری و نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخ‌گویی در سازمان‌های دولتی است.

۳. فرصت‌های تحول دیجیتال برای بهبود اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری

در این بخش از مقاله، فرصت‌های حاصل از تحول دیجیتال و تأثیر آن بر اصل مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

۱-۳. شفافیّت بیشتر با فناوری‌های دیجیتال

تحول دیجیتال با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، مانند «هوش مصنوعی قابل تفسیر»[۲۱] و «بلاک‌چین»[۴۳]، فرصت‌های قابل توجهی برای افزایش شفافیّت در اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری فراهم نموده است (Wade et. al,, 2014:352). اصل مذکور که شفافیّت و پاسخگویی نهادهای عمومی را تضمین می‌نماید، از طریق سامانه‌های دیجیتال به شکلی کارامدتر قابلیت اجرا دارد. برخلاف الگوریتم‌های غیرشفاف (جعبه سیاه) که در بخش دوم مورد بحث قرار گرفت، فناوری‌های جدید امکان ارائه دلایل واضح و قابل فهم را برای ذی‌نفعان و مراجع قضایی فراهم می‌نمایند.

در استونی «پلتفرم دولت الکترونیک» از الگوریتم‌های قابل‌تفسیر برای ارائه توضیحات ساختاریافته درباره تصمیمات اداری، مانند ارزیابی مالیاتی یا صدور مجوز، استفاده می‌نماید. این سامانه‌ها دلایلی دقیق ارائه می‌دهند که حق دفاع شهروندان را تقویت کرده و نظارت قضایی مؤثر را تسهیل نمایند (Margetts, 2013:8). برای نمونه، شهروندان استونی می‌توانند دلایل رد درخواست‌های خدمات عمومی را به‌صورت آنلاین و با جزئیات مشخص دریافت نمایند. طبق آمار منتشر شده این امر موجب افزایش اعتماد عمومی تا ۲۰ گردیده است (OECD, 2023:22).

در اتریش، سیستم‌های خودکار خدمات عمومی، مانند سامانه ارزیابی مزایای اجتماعی، با استفاده از هوش مصنوعی قابل تفسیر، توضیحاتی شفاف درباره فرایندهای تصمیم‌گیری ارائه می‌دهند. این سامانه‌ها با ارائه گزارش‌های استاندارد، امکان اعتراض به تصمیمات را برای شهروندان ساده‌تر نموده است (European Commission, 2023:27). در اسپانیا نیز، پلتفرم‌های دیجیتال خدمات عمومی، مانند سامانه ثبت مجوزهای ساخت، با ارائه دلایل واضح و قابل فهم، شفافیّت را بهبود بخشیده‌اند، اگرچه بر اساس آن‌چه در بخش دوم بدان اشاره گردید، چالش‌هایی مانند پیچیدگی رابطهای کاربری در برخی مناطق همچنان باقی است (European Commission, 2023:29).

فناوری بلاک‌چین نیز شفافیّت را با ثبت غیر قابل تغییر دلایل تصمیمات تقویت می‌نماید. در سوئد، پروژه‌های آزمایشی بلاک‌چین برای ثبت تصمیمات اداری، مانند تخصیص بودجه‌های عمومی، امکان ردیابی شفاف دلایل را فراهم نموده‌اند. این فناوری خطر دستکاری داده‌ها را کاهش داده و انطباق با اصل

---

[1]. Explainable Artificial Intelligence (XAI)

[۲]. هوش مصنوعی قابل تفسیر به سامانه‌های هوش مصنوعی گفته می‌شود که به گونه‌ای طراحی شده‌اند که فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها برای انسان قابل درک و تفسیر باشد. این نوع هوش مصنوعی با توضیح‌پذیر کردن منطق داخلی الگوریتم‌ها، شفافیت، پاسخگویی و اعتماد را افزایش می‌دهد.

3. Blockchain

[۴]. بلاک‌چین یک دفترکل دیجیتال غیرمتمرکز و تغییرناپذیر است که اطلاعات و تراکنش‌ها را به‌صورت زنجیره‌ای و رمزنگاری‌شده در چندین رایانه ثبت می‌کند و شفافیت، امنیت و قابلیت ردیابی داده‌ها را بدون نیاز به نهاد مرکزی تضمین می‌نماید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را تضمین می‌کند (European Court of Auditors, 2022:31).

فناوری‌های نوظهور دیجیتال، به‌ویژه در قالب سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی قابل تفسیر و بلاک‌چین، موجب باز تعریف ظرفیت نهادهای عمومی در تحقق شفافیّت شده‌اند. برخلاف گذشته که تبیین تصمیمات اداری به بیان محدود مأموران یا متون مبهم قانونی وابسته بود، امروزه الگوریتم‌های طراحی شده با قابلیت توضیح‌پذیری می‌توانند به‌طور سیستماتیک و بدون تبعیض، دلایل تصمیمات را مستند، قابل پیگیری و قابل دفاع ارائه نمایند. این تحول، نه‌تن‌ها کارآمدی اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات را افزایش داده، بلکه موجب تقویت حق دفاع، تسهیل نظارت قضایی، و ارتقاء پاسخگویی عمومی شده است.

در نمونه‌هایی مانند استونی و اتریش، بهره‌گیری از مدل‌های هوش مصنوعی با قابلیت تولید گزارش‌های ساختارمند، نشان‌دهنده عبور از مرحله ساده دیجیتالی‌سازی به مرحله حکمرانی دیجیتالی شفاف و متعهد به اصول حقوق عمومی است. در این سیستم‌ها، دسترسی شهروند به دلایل تصمیم، نه لطف اداری بلکه حق قانونی و فنی تضمین‌شده است که در هر زمان می‌تواند مورد استفاده، اعتراض یا بررسی مجدد قرار گیرد. این رویکرد از بروز پدیده‌هایی چون تصمیمات اداری خاموش، یا پاسخ‌های کلی و بی‌اساس جلوگیری می‌نماید.

در سوی دیگر، فناوری بلاک‌چین، اگرچه هنوز در مراحل اولیه پیاده‌سازی گسترده است، اما توان بالقوه آن در ایجاد ردیابی شفاف و غیرقابل‌تحریف داده‌ها، این امکان را فراهم می‌سازد که دلایل تصمیمات اداری نه‌تن‌ها به‌درستی ثبت، بلکه در برابر مداخله انسانی محافظت شود. این امر می‌تواند تضمین اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را از یک تعهد اداری به یک الزام فنی–حقوقی قابل اتکا تبدیل نماید.

نکته کلیدی در تحلیل تجربه کشورهای مختلف آن است که شفافیّت حاصل از فناوری، صرفاً تابع ابزار نیست بلکه وابسته به اراده نهادی، چارچوب قانونی مناسب، و طراحی کاربرمحور سیستم‌هاست. بدون این مؤلفه‌ها، حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌ها نیز ممکن است شفافیّت را به شکل صوری محقق کرده و در عمل ناکارآمد باقی بمانند، همان‌گونه که پیچیدگی رابطهای کاربری در برخی مناطق اسپانیا مانعی بر سر دسترسی کامل به دلایل تصمیمات شده است.

۲-۳. دسترسی بهتر به خدمات عمومی

تحول دیجیتال با طراحی پلتفرم‌های کاربرمحور، دسترسی شهروندان به خدمات عمومی و دلایل تصمیمات اداری را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشیده است(OECD, 2023:24). این پلتفرم‌ها با رابطهای کاربری ساده، چندزبانه و سازگار با نیازهای گروه‌های متنوع، مانند سالمندان، مهاجران و افراد کم‌توان، شفافیّت و مشارکت را تقویت می‌نمایند. این فرصت به‌ویژه در اتحادیه اروپا، که تنوع جمعیتی بالایی دارد، اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را تسهیل نموده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

در هلند، پلتفرم دیجیتال با ارائه رابطهای کاربری ساده و راهنمایی‌های چندزبانه، امکان دسترسی به دلایل تصمیمات را فراهم کرده است. این سامانه با طراحی کاربرمحور، مشارکت گروه‌های مهاجر را تا ۲۵ درصد افزایش داده است (European Commission, 2023:30). در اسپانیا، سامانه‌های خدمات عمومی، مانند پلتفرم ثبت درخواست‌های شهروندی، با ارائه دلایل تصمیمات به‌صورت آنلاین و با زبان ساده، دسترسی را برای کاربران غیرمتخصص بهبود بخشیده‌اند (European Commission, 2023:32). اتریش نیز با توسعه اپلیکیشن‌های خدمات عمومی، دسترسی‌پذیری را برای افراد کم‌توان تقویت نموده است. سامانه‌های دیجیتال اتریش با قابلیت‌هایی مانند تبدیل متن به گفتار برای نابینایان، امکان دریافت دلایل تصمیمات را برای گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم نموده است (OECD, 2023:26). در پرتغال، پلتفرم‌های کاربرمحور خدمات عمومی با نسخه‌های موبایلی، مشارکت شهروندان را تا ۳۰ درصد افزایش داده‌اند، به‌ویژه در میان جوانان و ساکنان مناطق شهری (European Commission, 2023:34).

تحول دیجیتال به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی دولت‌های مدرن، نقشی اساسی در دموکراتیزه کردن دسترسی به خدمات عمومی ایفا می‌نماید. این تحول از طریق طراحی پلتفرم‌های دیجیتال با محوریت نیازهای کاربر، باعث می‌گردد، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، نه فقط در سطح قانونی بلکه در سطح عملیاتی نیز قابل تحقق باشد. دسترسی عادلانه، بی‌واسطه و قابل فهم به دلایل تصمیمات اداری، شرط تحقق واقعی این اصل در فضای الکترونیک است. از این رو، تحول دیجیتال با بهره‌گیری از طراحی‌های تطبیقی، تجربه کاربری را برای گروه‌های متنوع و دارای نیازهای خاص بهینه‌سازی نموده است. با این وصف، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که همه کاربران از سطح توانایی دیجیتال یا سواد حقوقی یکسانی برخوردار باشند؛ از این رو، سادگی، چندزبانه‌بودن، شفافیّت زبان و قابلیت‌های دسترس‌پذیری به عناصر حیاتی در طراحی پلتفرم‌های عمومی تبدیل شده‌اند. پلتفرم‌هایی که فاقد این ویژگی‌ها باشند، عملاً باعث طرد گروه‌های خاص از فرایندهای تصمیم‌گیری و حق دسترسی به دلایل می‌شوند.

از منظر حقوق اداری، تحول دیجیتال نوعی بسط عملی اصول عدالت اداری محسوب می‌شود؛ چرا که مانع از انحصار اطلاعات نزد مقامات اداری می‌گردد و شهروند را در جایگاه یک شریک اطلاعاتی در فرایند اداری قرار می‌دهد. اگر پیش‌تر، دسترسی به دلایل تصمیم مستلزم پیگیری‌های وقت‌گیر و مکاتبات رسمی بود، امروزه پلتفرم‌های دیجیتال این امکان را فراهم ساخته‌اند که شهروند با چند کلیک به دلایل تصمیمات دست یابد، آن‌ها را بررسی کند و در صورت لزوم، نسبت به آن‌ها اعتراض نماید.

بر این اساس، چنان‌که تحول دیجیتال در خدمت تقویت دسترسی به خدمات عمومی و ارائه دلایل شفاف و قابل‌فهم قرار گیرد، می‌تواند به شکل‌گیری اداره‌ای فراگیر، پاسخگو و برابرگرا بینجامد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

۳-۳. کاهش خطاهای انسانی

خودکارسازی فرایندهای اداری از طریق تحول دیجیتال، خطاهای انسانی را که اغلب به ارائه دلایل ناقص یا نادرست برای تصمیمات اداری منجر می‌شوند، به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده است (Wade et. al, 2014:356). فناوری‌هایی مانند تحلیل داده‌های کلان و سیستم‌های خودکار، با استانداردسازی فرایندها و ارائه دلایل دقیق، اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را تقویت می‌نمایند. این فرصت به‌ویژه در اتحادیه اروپا اهمیّت دارد که نهادهای عمومی با حجم بالای درخواست‌های شهروندی مواجه‌اند.

در آلمان، سیستم‌های خودکار ارزیابی مالیاتی با بهره‌گیری از تحلیل داده‌های کلان، دلایلی استاندارد و دقیق برای تصمیمات ارائه می‌دهند. این سامانه‌ها خطاهای محاسباتی ناشی از دخالت انسانی را تا ۴۰ درصد کاهش داده‌اند و توضیحات شفافی برای مالیات‌دهندگان فراهم نموده‌اند (European Commission, 2023:32). در فنلاند، خودکارسازی فرایندهای صدور مجوزهای ساخت با استفاده از قالب‌های استاندارد برای ارائه دلایل، ناسازگاری‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های فردی را کاهش داده و دقت را بهبود بخشیده است (OECD, 2023:28). اسپانیا نیز از خودکارسازی برای بهبود ارائه دلایل بهره برده است. سامانه‌های دیجیتال ثبت درخواست‌های شهروندی در اسپانیا، با تولید دلایل پیش فرض و قابل فهم، خطاهای ناشی از ورود دستی داده‌ها را کاهش داده است. (European Commission, 2023:33). در اتریش، سیستم‌های خودکار خدمات اجتماعی با بررسی خودکار داده‌ها، دلایلی منسجم ارائه می‌دهند که باعث کاهش ۲۰ درصدی اعتراضات شهروندان شده است (OECD, 2023:29).

خودکارسازی فرایندهای اداری از رهگذر تحول دیجیتال، یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش خطاهای انسانی در تصمیم‌گیری‌های اداری محسوب می‌شود. این نوع خطاها که عمدتاً ناشی از خستگی، سوگیری، یا فقدان دانش تخصصی کافی نزد کارکنان هستند، می‌توانند منجر به تصمیماتی با دلایل ناقص، متناقض یا غیرقابل دفاع شوند. فناوری‌های نوین با معرفی فرایندهای استاندارد، الگوریتم‌های تحلیل داده، و الگوهای از پیش تعریف‌شده، امکان تولید دلایل دقیق، هماهنگ و مستدل را فراهم می‌آورند.

از منظر حقوق اداری، کاهش خطای انسانی نه‌تنها به افزایش دقت و یکنواختی در ارائه دلایل منجر می‌شود، بلکه در راستای تحقق اصل برابری و عدالت اداری نیز عمل می‌کند؛ زیرا احتمال اعمال سلیقه‌های فردی، رفتار تبعیض‌آمیز یا تصمیمات غیرمبتنی بر قانون به حداقل می‌رسد. این امر، به‌ویژه در تصمیماتی که به حقوق اساسی افراد مربوط می‌شود، اهمیّتی دوچندان می‌یابد.

از سوی دیگر، پیاده‌سازی سیستم‌های خودکار باعث کاهش تنش‌ها و اختلافات میان نهادهای عمومی و شهروندان می‌گردد. زیرا در فضایی که دلایل تصمیمات به‌صورت استاندارد، روشن و بدون خطای شخصی ارائه شود، زمینه برای اعتراضات، شکایات و نارضایتی‌ها نیز کاهش می‌یابد. در چنین ساختاری، پاسخگویی نظام اداری ارتقاءیافته و اعتماد شهروندان به تصمیم‌گیری عادلانه تقویت می‌گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

با این حال، برای تضمین کیفیت خروجی‌های سامانه‌های خودکار، باید نظارت حقوقی و فنی مستمر بر عملکرد آن‌ها وجود داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که این فناوری‌ها نه جایگزین شفافیّت و پاسخگویی، بلکه ابزار تقویت آن‌ها هستند.

٤-٣. تقویت نظارت قضایی و شهروندی

تحول دیجیتال با ارائه سامانه‌های ردیابی و ثبت دلایل تصمیمات اداری، نظارت قضایی و شهروندی بر فرایندهای اداری را به‌طور قابل توجهی تقویت نموده است (Wade et. al, 2014:359). این سامانه‌ها با افزایش شفافیّت و دسترسی‌پذیری اطلاعات، اجرای اصل لزوم ارائه دلایل را بهبود می‌بخشند و امکان اعتراض به تصمیمات نادرست را برای شهروندان و مراجع قضایی تسهیل می‌نمایند. این فرصت در اتحادیه اروپا که نظارت قوی بر نهادهای عمومی ضروری است، اهمیّت ویژه‌ای دارد.

در هلند، سامانه‌های دیجیتال نظارت قضایی با ارائه گزارش‌های آنلاین درباره دلایل تصمیمات اداری، فرایند اعتراض را تسریع نموده و زمان رسیدگی به شکایات را تا ۳۰ درصد کاهش داده است (OECD, 2023:30). اسپانیا نیز از پورتال‌های شفافیّت دیجیتال برای تقویت نظارت شهروندی بهره برده است. برای نمونه، پورتال خدمات عمومی اسپانیا امکان دسترسی عمومی به دلایل تصمیمات، مانند تخصیص بودجه‌های محلی، را فراهم کرده و مشارکت شهروندان در نظارت را افزایش داده است (European Commission, 2023:34). در اتریش، سامانه‌های دیجیتال با ارائه داشبوردهای نظارتی، به مراجع قضایی امکان بررسی سریع دلایل تصمیمات اداری را داده‌اند، که انطباق با مقررات اتحادیه اروپا را بهبود بخشیده است (OECD, 2023:31). پرتغال نمونه دیگری است که در آن پورتال‌های دیجیتال با ارائه دلایل تصمیمات به‌صورت عمومی، اعتماد عمومی را تقویت کرده‌اند. این پورتال‌ها، که برای نظارت شهروندی طراحی شده‌اند، شکایات مربوط به عدم شفافیّت را تا ۲۰ درصد کاهش داده‌اند (European Commission, 2023:35).

تحول دیجیتال با فراهم‌سازی ابزارهای ردیابی و ثبت دقیق اطلاعات تصمیمات اداری، نظارت قضایی و شهروندی بر عملکرد نهادهای عمومی را وارد مرحله‌ای نوین و پیشرفته نموده است. در نظام‌های حقوق اداری سنتی، یکی از چالش‌های اساسی، عدم دسترسی شهروندان یا مراجع نظارتی به دلایل شفاف و ساختارمند برای تصمیمات بود که موجب دشواری در ارزیابی قانونی، تأخیر در رسیدگی به شکایات و در بسیاری موارد تضعیف حق دفاع می‌گردید. اما در بستر دیجیتال، این مانع با ایجاد سامانه‌های شفاف‌ساز، ثبت خودکار دلایل، و قابلیت بازیابی آسان اطلاعات به‌صورت چشم‌گیری کاهش یافته است.

از منظر حقوق عمومی، چنین تحولی نه‌تنها دسترسی شهروند به اطلاعات اداری را تسهیل کرده، بلکه مبنای حقوقی لازم برای اعمال نظارت مؤثر و مستند از سوی مراجع قضایی و نهادهای ناظر را فراهم آورده است. ایجاد مسیرهای الکترونیکی ثبت، نگهداری و ارائه دلایل، امکان بازبینی دقیق و بدون واسطه را مهیا کرده و فرایند شکایت یا اعتراض را از حالت پیچیده و زمان‌بر به مدل‌های هوشمند، سریع و مستند

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

بدل کرده است. این وضعیت در پرتو اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، موجب ارتقای سطح شفافیّت، کاهش تخلفات و افزایش کیفیت حکمرانی می‌گردد.

همچنین، از منظر شهروندی، دسترسی آزاد و دیجیتالی به دلایل تصمیمات، فرصت مشارکت در نظارت عمومی را فراهم می‌سازد. این روند از یک‌سو اعتماد عمومی را تقویت نموده و از سوی دیگر، امکان مطالبه‌گری مؤثر را به وجود می‌آورد. در این فرایند، فناوری دیجیتال نه فقط ابزار تسهیل‌کننده، بلکه نقش‌آفرین اصلی در افزایش مشروعیت، پاسخگویی و انطباق حقوقی تصمیمات اداری است. به این ترتیب، نظارت قضایی و مردمی در نظام‌های اداری دیجیتال به سطحی از کارآمدی می‌رسد که در مدل‌های سنّتی کمتر قابل تحقق بود.

مباحث بخش سوم نشان داد که تحول دیجیتال فرصت‌های قابل توجهی برای بهبود اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در اتحادیه اروپا فراهم نموده است. فناوری‌های قابل تفسیر و بلاک‌چین شفافیّت را تقویت می‌نمایند، پلتفرم‌های کاربرمحور دسترسی به خدمات عمومی را بهبود می‌بخشند، خودکارسازی خطاهای انسانی را کاهش می‌دهد و سامانه‌های دیجیتال نظارت قضایی و شهروندی را تسهیل می‌کنند. این فرصت‌ها، با افزایش شفافیّت و پاسخگویی، اعتماد عمومی و انطباق با مقررات اتحادیه اروپا را ارتقا می‌دهند. با این حال، بهره‌برداری کامل از این فرصت‌ها نیازمند رفع چالش‌هایی مطروحه در بخش دوم مقاله است. بخش بعدی، با ارائه راهکارهای عملی برای غلبه بر این چالش‌ها، اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را در بستر تحول دیجیتال کارامدتر خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پاسخ به این سؤال که «تحول دیجیتال چه چالش‌ها و فرصت‌هایی برای اجرای اصل لزوم ارائه دلایل در حقوق اداری اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند؟» به بررسی تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر یکی از ارکان بنیادین حقوق اداری، یعنی اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری پرداخت. این اصل که شفافیّت و پاسخگویی نهادهای عمومی را تضمین می‌نماید، در عصر دیجیتال با تحولات عمیقی مواجه شده است. مطالعه حاضر، ابعاد حقوقی، فنی و اجتماعی این تحول را در چارچوب نظام حقوقی اتحادیه اروپا بررسی نموده و درس‌آموخته‌هایی برای نظام حقوقی ایران ارائه داد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحول دیجیتال، ضمن ایجاد چالش‌های جدّی، فرصت‌هایی بی‌سابقه برای تقویت این اصل فراهم نموده است؛ اما موفقیّت در بهره‌گیری از این فرصت‌ها به سیاست‌گذاری دقیق و رفع موانع بستگی دارد.

بررسی‌ها نشان‌دهنده آن است که تحول دیجیتال چالش‌های متعددی را برای اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات نموده کرده است. از جمله الگوریتم‌های غیرشفاف، که اغلب به دلیل پیچیدگی‌های فنی یا محرمانه بودن طراحی قابل فهم نیستند، توانایی شهروندان و قضات را برای ارزیابی دلایل تصمیمات اداری محدود می‌کنند. نابرابری دسترسی به فناوری، به‌ویژه در مناطق محروم یا برای گروه‌های کم‌سواد دیجیتال، مانع از تحقق عادلانه این اصل می‌شود. همچنین، ناهماهنگی‌های حقوقی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و مقاومت سازمانی در نهادهای عمومی، اجرای یکپارچه فناوری‌های دیجیتال را دشوار کرده

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

است. این چالش‌ها نشان می‌دهند که بدون اصلاحات ساختاری، فناوری می‌تواند به جای تقویت شفافیّت، موانع جدیدی ایجاد نماید. از سوی دیگر، تحول دیجیتال فرصت‌هایی قابل‌توجهی ارائه نموده است. پلتفرم‌های دیجیتال کاربر محور، مانند پورتال‌های شفافیّت اتریش و دانمارک، با ارائه دلایل تصمیمات به‌صورت ساده و چندزبانه، دسترسی عادلانه را بهبود بخشیده‌اند. هوش مصنوعی با کاهش خطاهای انسانی و افزایش سرعت پردازش، دقت دلایل ارائه شده را تقویت نموده است. این فرصت‌ها، در صورت مدیریت صحیح، موجب افزایش اعتماد عمومی و نظارت قضایی مؤثر خواهد شد.

با وجود این یافته‌ها، پژوهش حاضر با کاستی‌ها و ابهاماتی مواجه است. این امر در مطالعات آینده محل بحث خواهد بود. از جمله فقدان داده‌های تجربی جامع از اجرای پلتفرم‌های دیجیتال در همه کشورهای اتحادیه اروپا تحلیل دقیق‌تر اثرات فناوری را محدود نمود. پیچیدگی‌های فنی الگوریتم‌ها، به صورتی که حتی برای متخصصان قابل فهم نیستند، ابهاماتی درباره چگونگی شفاف‌سازی آن‌ها ایجاد نموده است. همچنین، تأثیرات بلندمدت تحول دیجیتال بر اعتماد عمومی به نهادهای اداری همچنان نامشخص است، زیرا فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی در مراحل اولیه توسعه‌اند. این کاستی‌ها نشان می‌دهند که پژوهش‌های بیشتری برای تدوین چارچوب‌های حقوقی و فنی موردنیاز است.

برای بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهایی در اتحادیه اروپا، توسعه پورتال‌های دیجیتال با ویژگی‌های دسترس‌پذیری، مانند سادگی و چندزبانه‌بودن، باید گسترش یابد تا گروه‌های متنوع به دلایل تصمیمات دسترسی داشته باشند. تدوین استانداردهای مشترک برای شفافیّت الگوریتم‌ها، مانند الزام به ارائه توضیحات قابل فهم، موجب تقویت نظارت قضایی مؤثر می‌گردد. در ایران، نظام حقوقی می‌تواند از تجربیات اروپا، مانند طراحی سامانه‌های دیجیتال شفاف، برای ارتقای پاسخگویی نهادهای اداری بهره‌مند گردد. ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال و آموزش سواد دیجیتال برای شهروندان ایرانی، به ویژه در مناطق محروم، ضروری است تا نابرابری دسترسی کاهش یابد. این پیشنهادها، با تأکید بر تعادل بین فناوری و اصول حقوقی، می‌توانند اجرای اصل لزوم ارائه دلایل را در هر دو نظام حقوقی بهبود بخشند.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که تحول دیجیتال، اگرچه چالش‌هایی مانند غیرشفاف بودن الگوریتم‌ها و نابرابری دسترسی را به همراه دارد، فرصت‌هایی بی‌نظیر برای تقویت شفافیّت، دسترسی عادلانه، و پاسخگویی در حقوق اداری ارائه می‌دهد. با این حال، تحقق این فرصت‌ها نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه، هماهنگی حقوقی، و رفع کاستی‌های موجود است. برای ایران، انطباق این تجربیات می‌تواند گامی در جهت نظام اداری باز و پاسخگو باشد؛ اما نیاز به زیرساخت‌های فنی و اصلاحات حقوقی دارد. مطالعات آینده می‌توانند با تمرکز بر داده‌های تجربی و تحلیل اثرات بلند مدت فناوری، چارچوبی جامع‌تر برای اجرای اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در عصر دیجیتال ارائه دهند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

فهرست منابع

منابع فارسی

کتب:

۱- عطریان، فرامرز (۱۳۹۶). حقوق اداری تطبیقی اداره خوب مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات میزان.

۲- هداوند، مهدی و مشهدی، علی (۱۳۹۵). اصول حقوق اداری(در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خرسندی. چاپ چهارم.

مقالات:

۱- انصاری، باقر (۱۴۰۱). «مطالعه حقوقی تبعیض الگوریتمی»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳۸.

۲- رضائی‌زاده، محمدجواد، عطریان، فرامرز (۱۳۹۳). «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره‌ی خوب: مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، ، شماره ۱۰.

۳- مرادی برلیان، مهدی، تنگستانی، محمدقاسم (۱۴۰۲) «الگوریتم و حقوق اداری؛ چالش‌ها و راهکارها»، فصل‌نامه حقوق اداری، شماره ۳۴.

منابع انگلیسی

Books

1- Craig, P. (2012). EU administrative law. Oxford University Press.

2- Hofmann, H. C. H., & Klotz, L. (2024). Digital administrative law: Principles and practices. Cambridge University Press.

3- Pasquale, F. (2015). The black box society: The secret algorithms that control money and information. Harvard University Press.

4- Ryan, M, and Steve Foster. (2023). Unlocking Constitutional and Administrative Law. 5ndEd. London: Routledge.

5- Siebel, T. M. (2019). Digital transformation: Survive and thrive in an era of mass extinction. Rosetta Books.

6- Wade, W., & Forsyth, C. (2014). Administrative law (10th ed.). Oxford University Press.

7- Westerman, G., Bonnet, D., & McAfee, A. (2014). Leading digital: Turning technology into business transformation. Harvard Business Review Press.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

- **Articles**

1- Bloomberg, J. (2018). Digitization, digitalization, and digital transformation: Confuse them at your peril. Forbes.
2- G. C. Leonelli. (2023). Fragmented Transparency: The Visibility of Agency Science in European Union Risk Regulation, European Journal of Risk Regulation, Volume 14, Issue 2.
3- Janowski, T. (2015). Digital government evolution: From transformation to contextualization. Government Information Quarterly, 32(3).
4- Kaminski, M. E. (2019). Algorithmic accountability and public law. Law & Technology Journal, 28(1).
5- Margetts, H., & Dunleavy, P. (2013). The second wave of digital-era governance: A quasi-paradigm for government on the web. Philosophical Transactions of the Royal Society A, 371(1987).

- **Reports**

1- Deutsche Telekom. (2019). Digital government: Enhancing user experience in public services. Deutsche Telekom AG.
2- European Commission. (2023). Digital public services report. European Union.
3- European Commission. (2024). Digital transformation and public services: Progress report. European Union.
4- European Court of Auditors. (2022). Digital transformation in EU public administrations. European Union.
5- European Court of Auditors. (2024). Transparency in digital governance: Lessons from EU member states. European Union.
6- European Court of Auditors. (2024). Advancing digital infrastructure in EU governance. European Union.
7- OECD. (2023). Digital government index: Enabling transparent and accountable public services. OECD Publishing.
8- OECD. (2024). Digital governance: Transparency and accountability. OECD Publishing.
9- United Nations. (2022). United Nations e-government survey 2022: The future of digital government. United Nations Department of Economic and Social Affairs. https://publicadministration. un.org/egovkb/en-us/Reports/UN-E-Government-Survey-2022

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]

- **Laws and Regulations**

1- European Union. (2016). Regulation (EU) 2016/679 of the European Parliament and of the Council of 27 April 2016 on the protection of natural persons with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data (General Data Protection Regulation). Official Journal of the European Union, L 119, 1–88.

2- European Union. (2024). Regulation (EU) 2024/1689 of the European Parliament and of the Council laying down harmonised rules on artificial intelligence (Artificial Intelligence Act). Official Journal of the European Union, L 168, 1–144.

- **Standard**

1- ISO/IEC 42001. (2023). Artificial intelligence — Management system. International Organization for Standardization.

.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.31]